

انصاف

فصلنامه دانشجویی حقوقی انصاف

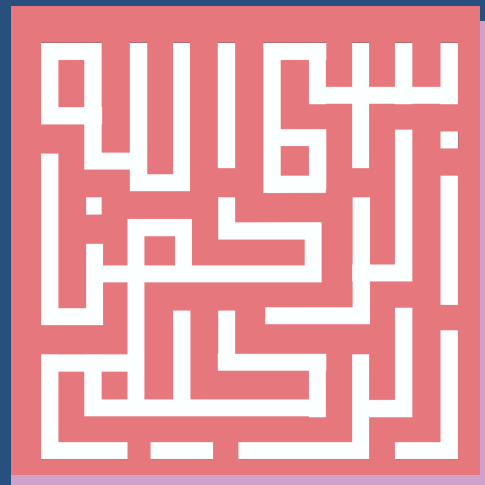
شماره نهم_زمستان 1401



مهرانکیز منوچهریان
نخستین وکیل زن ایرانی

آنچه در این شماره می‌خوانید
حقوق آثار هنری و میراث فرهنگی در حقوق ایران
تفاوت‌ها و اشتراکات قانون اساسی ایران و فرانسه
مجازات دوپینگ از نگاه حقوق ورزشی
توسعه پایدار حقوق محیط زیست و عدالت بین نسلی
توسعه با طعم تخریب میانکاله
عدالت و عدالت شرعی و سهم آن در حقوق ایران
بررسی مفاهیم دارای معنای متفاوت در قانون مدنی و ثبت

اعجاز



شناسنامه

فصلنامه حقوقی انصاف

صاحب امتیاز:

انجمن علمی حقوق

دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: مطهره عابدینی

سر دبیر: هیوا جلالی

ویراستار: فاطیما قهرمانی فر

طراح گرافیک: مبینا نداف اردستانی

تحریریه:

مریم احمدیگی

فاطمه سادات موسوی

سیده تینا شریعت پناهی

حنانه عباسی

فاطمه راستگو

فاطمه صادقی

غزل محمدی وش

یکتا کریمی

الهه صادقی

فهرست

۵

تفاوت‌ها و اشتراکات قانون
اساسی ایران و فرانسه
یکتا کریمی

۷

توسعه پایدار حقوق محیط
زیست و عدالت بین نسلی
مریم احمد بیگی

۸

مجازات دوپینگ از نگاه
حقوق ورزشی
فاطمه سادات موسوی

۱۰

حمل و نقل کالا در تجارت بین‌الملل
و مسئولیت خریدار و فروشنده
سیده تینا شریعت پناهی

۱۱

حقوق آثار هنری و میراث
فرهنگی در حقوق ایران
حنانه عباسی

۱۲

بررسی مفاهیم دارای معنای
متفاوت در قانون مدنی و ثبت
فاطمه راستگو

۱۳

توسعه با طعم تخریب میانکاله
الهه صادقی

۱۴

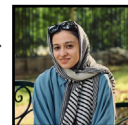
۱۹۸۷، وقتی که آن روز فرا
برسد...
غزل محمدی‌وش

۲۳

عدالت و عدالت شرعی
و سهم آن در حقوق ایران
فاطمه صادقی

تفاوت‌ها و اشتراکات قانون اساسی ایران و فرانسه

یکتا کرمی



قانون اساسی بلندمرتبه‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر حول محور خود است. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله‌مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان است. تمامی آحاد یک جامعه اعم از دستگاه‌های حکومتی، دولتی و غیردولتی، به‌عنوان یک جزء باید به آن احترام بگذارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۴۰ سال دارد که بر مبنای نمونه فرانسوی، الگوبرداری شده است؛ البته الزامات یک حکومت اسلامی در آن گنجانده شده است که این خود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را متمایز از قانون اساسی فرانسه می‌نماید؛ که البته در سال ۱۳۶۸ یک مرتبه دستخوش اصلاح و قریب به یک سوم از اصول آن مورد بازنگری قرار گرفت.

قانون اساسی فرانسه

قانون اساسی کنونی فرانسه در ۴ اکتبر ۱۹۵۸ به رسمیت رسید و بنیان جمهوری پنجم را تشکیل داد. این قانون که بیشتر با نام قانون اساسی جمهوری پنجم شناخته می‌شود، جایگزین قانون اساسی جمهوری چهارم شده که از سال ۱۹۴۵ در حال اجرا بود.

در این مقاله سعی بر این است که به مقایسه اشتراکات و تفاوت‌های (Différences et points communs) قانون اساسی فرانسه و ایران بپردازیم.

اشتراکات قانون اساسی ایران و فرانسه به شرح ذیل می‌باشد:

۱. شکلی بودن قانون؛ منظور از شکلی بودن قانون اساسی، این است که قانون اساسی در دید حقوق‌دانان و قانونگذاران دو کشور، سخت و انعطاف‌پذیر تلقی شده؛ به‌منظور اینکه برای بازنگری در چنین قوانینی نیازمند تشکیل شورایی بازنگری هستیم؛ که در ایران اصل ۱۷۷ بازگوکننده آن است که برعکس برخی نظام‌های حقوقی، تأیید مجلس نمایندگان را برای بازنگری سطحی، مورد شناسایی قرار داده است. آخرین بازنگری قانون اساسی فرانسه نیز موبوط به لایحه ۷۲۷ در سال ۲۰۰۸ است؛ که تغییراتی جامع و گسترده در قانون اساسی ایجاد نمود؛ این بازنگری و اصلاح همراه با تحول اصل ۴۱ مرتبط به پارلمان، رئیس‌جمهور، دولت، رابطه شهروندان و... که آخرین بازنگری قانون اساسی سال ۱۹۵۸ است.

توجه کنیم که یکی از دلایل شکلی بودن قانون اساسی، این می‌باشد که پس از اصلاح و بازنگری قانون اساسی برای آن که اصلاحیه ماهیت قانونی پیدا کند، به تأیید آحاد مردم از طریق همه‌پرسی می‌رسد و این کار تشریفاتی کردن قانون است.

۲. در رأس بودن مردم هر دو کشور؛ قانون اساسی هر دو کشور که از نام آن‌ها هم معلوم است، جمهوری است. در جمهوری، اساس پیشبرد امور را مردم قرار می‌دهد و مردم در تمامی تصمیمات کلان کشور اعم از مستقیم یا غیرمستقیم ذی‌نفع قرارداد است.

در ایران مردم هر ۴ سال یک‌بار رئیس‌جمهور منتخب خود را انتخاب می‌کنند.

مردم فرانسه هر ۵ سال یک‌بار رئیس‌جمهورشان (président de la république) را انتخاب می‌کنند و در اواخر ماده ۲ قانون اساسی به آن اشاره شده است؛

(...Gouvernement du peuple, par le peuple pour le peuple)

۳. تفکیک قوا؛ قانون اساسی ایران همانند قانون اساسی فرانسه اصل تفکیک قوا را به رسمیت شناخته است. بدین‌صورت که قوای مجریه، مقننه و قضائیه بدون هرگونه اخلال در امور آن قوه، باید به وظایف خود رسیدگی کنند و در رأس این قوای سه‌گانه، قوه قانونگذاری قرار دارد. (اصل ۵۷)

فرانسه نیز دارای نظام نیمه‌پارلمانی است؛ که ناشی از تفکیک قواست. البته نکته قابل‌توجه این است که تفکیک قوای فرانسه نسبی است و در عین همکاری با یکدیگر از ابزارهای نظارتی و کنترل در مقابل هم از جهت تعادل و توازن قدرت برخوردار هستند.

۴. ریاست بر دولت؛ در ایران رئیس‌جمهور منتخب ملت، ریاست دولت را بر عهده دارد؛ و برای تمامی وزارتخانه‌ها و ادارات زیرمجموعه نهاد ریاست جمهوری وزیر تعیین می‌کند. در فرانسه اختیارات رئیس‌جمهور به‌مانند ایران است؛ ولیکن حوزه این اختیارات گسترده‌تر است.

از جمله وظایف رئیس‌جمهور در فرانسه عبارت‌اند از:

۱. Vote de loi (صلاحیت مجلس ملی)

۲. propositions de lois (پیشنهاد قانون)

تفاوت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه

۱. مغایرت با موازین اسلامی؛ در اصل چهارم قانون اساسی ایران صراحتاً بیان شده که کلیه قوانین باید بر مبنای موازین اسلامی باشد؛ که سنجش اینکه قانون بر مبنای موازین اسلامی است، بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی می‌باشد؛ در حالی که در قانون اساسی فرانسه، دین معنایی ندارد.

۲. ولایت فقیه؛ در قانون اساسی ایران اصل پنجم، در زمان غیبت ولی عصر (عج) ولایت فقیه بر عهده ولی فقیه که رهبری کشور را بر عهده دارد می‌باشد؛ که در قانون اساسی فرانسه تنها رئیس‌جمهور منتخب مردم چنین اختیاری دارد.

۳. نهاد قانونگذاری؛ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنها نهاد ملی قانونگذاری، مجلس شورای اسلامی می‌باشد؛ در حالی که در قانون اساسی فرانسه، مجلس قانونگذاری ملی (assemblée nationale) و سنا (sénat) پیش‌بینی شده است؛ که اختیارات هر یک از این دو مجلس

در قانون اساسی فرانسه شرح داده شده است.

در این نوشتار تلاش شد، تا مشابهت‌ها و تفاوت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه به‌صورت کلی و مختصر بیان شود؛ تا منبع کلی قانون ایران بیان شود که علاوه بر فقه از فرانسه نیز



گرفته شده است؛ همچنین دید کلی از نظام حقوقی فرانسه ایجاد شود.

منابع

۱. le francaia juridique.

۲. هامون فرانسایس و وایتر سالدین صایانت از قانون اساسی در فرانسه و ایالات متحده آمریکا ترجمه جلالی، محمد، نشریه حقوق اساسی شماره

۲، تابستان

۳. قانون اساسی ایران

۴. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق

توسعه پایدار حقوق محیط زیست و عدالت بین نسلی

مریم احمدیگی



مقدمه

سال‌های زیادی می‌گذرد که بشر برای رشد و پیشرفت خود از طبیعت استفاده و الهام گرفته است؛ اما نتیجه این رشد و توسعه انسان‌ها پس از انقلاب صنعتی آن‌چنان تأثیر مخربی بر روی طبیعت داشته است که تلاش کشورهای فقیر برای توسعه، غیرممکن می‌باشد و در جهان امروز عملاً خود نگری تلقی می‌شود؛ به همین جهت در دهه‌های اخیر توسعه پایدار به‌عنوان یک پاسخ به این مشکلات ارائه شده است.

مفهوم توسعه پایدار حقوق محیط‌زیست

توسعه پایدار مفهوم نشئت‌گرفته از الزام‌های زیست‌محیطی برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است؛ که برای بار اول در گزارش براولند (۱۹۸۷) تعیین و توضیح داده شد؛ و بعد از آن در بیانیه ریو (۱۹۹۲) به‌عنوان یک مثال از اصول بنیادین استفاده از محیط‌زیست و مراقبت از آن بود.

به نظر می‌رسد که توسعه پایدار و حقوق محیط‌زیست، آرمان‌های یکسانی را دنبال می‌کنند و آن آرمان‌ها برخورداری نسل حال حاضر از امکانات و پیشرفت‌هایی که وجود دارد و همراه با حفاظت آن برای نسل آینده است.

عدالت بین نسلی

مفهومی نشئت‌گرفته از زندگی و جهان مدرن است؛ و پاسخ و واکنشی به موضوع از بین بردن محیط‌زیست، تخریب و تمام شدن منابع طبیعی و به‌خطر انداختن زندگی نسل‌های آینده. نسل حال حاضر نباید به گونه‌ای رفتار کند که نسل آینده هزینه زندگی ناخردمندان آن‌ها را بدهد؛ چه نسل حاضر و چه نسل آتی باید در استفاده از منابع برابر باشند.

شیوه‌های مختلف انسان‌ها برای استفاده بیش از پیش از طبیعت و منابع آن باعث شده است این نگرانی به وجود بیاید، که این خودخواهی انسان طبیعت را نابود کند.

در حقوق بین‌الملل به این موضوع توجه شده است؛ در حقوق بین‌الملل درباره مبحث عدالت بین نسلی می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دهه ۱۹۹۰ اشاره کرد؛ که خلاصه آن، سخن از منافع و حقوق نسل آینده است.

باتوجه به اینکه طول مدت حیات انسان متأثر از دستاوردهای علمی جدید و پیشرفت‌هایی در زمینه‌های مختلف است؛ طبیعتاً آیندگان و نسل آینده طول عمر در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه

متفاوت است و به میزان پیشرفت فناوری وابسته است؛ به همین دلیل دوره حیات به‌طور دقیق مشخص نیست و با ابهام‌هایی روبه‌رو هستیم؛ ولی فارغ از این مبحثی که به آن پرداختیم، ما همواره معتقد هستیم که نسل آینده از استفاده از محیط‌زیست و منابع آن برخوردار است.

نتیجه‌گیری

بشر همواره برای پیشرفت و رشد خود آزمایش‌هایی را روی طبیعت و حیوانات انجام داده است؛ و در صورت کارآمدی، اجازه استفاده از آن را به انسان داده است. حالا طی سالیان زیادی که طبیعت برای سلامت انسان و خیلی از حوزه‌های دیگر قربانی شده است، چه بهتر که بشر امروز با دانشی که دارد در جهت سلامت طبیعت قدم بردارد.

منابع

۱. دبیری، ف، خلعتبری، ی و زارعی، س. (۱۳۹۷). دستیابی به توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. انسان و محیط‌زیست، ۱۶ (۱)، ۷۳-۷۳

۲. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، و شفیق فرد، حسن. (۱۳۹۵). توسعه پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده. سیاست جهانی، ۵ (۱)، ۲۷۱-۲۴۱.

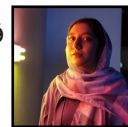
۳. مرتضوی کاخکی، مرتضی، ناجی‌میدانی، علی‌اکبر، مهدوی‌عادل‌سی، محمدحسین و حسین زاده، محمدحسین. (۱۳۹۶). نقد و بررسی نظریات عدالت بین نسلی لیبرال. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۹ (۲) (پیاپی ۱۸)، ۵۸-۳۱.

<https://sid.ir/paper/fa/۲۲۰۸۱۶/SID>

۴. محبی، محسن و فیض‌الهی، فرانک. (۱۴۰۰). واکاوی «مفهوم عدالت بین نسلی» در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. حقوقی بین‌المللی، ۶۵ (۱)، ۳۰-۷. <https://sid.ir/paper/fa/۵۱۰۵۹۳/SID>

مجازات دوپینگ از نگاه حقوق ورزشی

فاطمه سادات موسوی



ورزشکاران کرده‌اند.

مسئله اصلی اینجاست، که آیا باید با ورزشکاری که از روی قصد و عمدانه دوپینگ کرده است و ورزشکاری که برخلاف میل و با عدم آگاهی دوپینگ کرده است یکسان برخورد شود یا خیر؟

تعریف دوپینگ

از دوپینگ تعاریف مختلفی ارائه شده است. منظور از دوپینگ، یعنی داروهایی که مصرف آن‌ها برای ورزشکاران طبق قوانین و آیین‌نامه غیرمجاز بوده و تخلف ایشان منجر به باخت و محرومیت موقت یا دائمی آن‌ها از مسابقات خواهد شد؛ فهرست این داروها در آیین‌نامه بین‌المللی دوپینگ ذکر شده است.

در توضیح معنای واژه دوپینگ باید افزود که ریشه آن به آفریقای جنوبی باز می‌گردد و به نوعی نوشیدنی الکلی گفته می‌شود که برای ایجاد تحرک در برخی مراسم باستانی استفاده می‌شد.

سازمان ورزشی اروپا در سال ۱۹۶۳ دوپینگ را چنین تعریف کرد: «مصرف یا تجویز مواد خارجی و یا مواد فیزیولوژیک خود بدن به مقدار غیرعادی و یا استعمال غیرطبیعی، توسط ورزشکاران به منظور به دست آوردن کارایی و توانایی بیش از اندازه در مسابقات و رقابت‌های ورزشی.» اما باید توجه داشت که این تعریف از نظر حقوقی جامع نیست؛ زیرا برای تحقق دوپینگ نه انگیزه مرتکب و نه میزان انرژی مکتسبه شرط است؛ بنابراین می‌توان در تعریف دوپینگ چنین گفت

یکی از معضلاتی که در حقوق ورزشی همواره حائز اهمیت بوده، مسئله دوپینگ و ممنوعیت آن بوده است. از عللی که باعث بروز و ظهور ممنوعیت دوپینگ شناخته می‌شوند، می‌توان به مضر بودن آن برای ورزشکار، در تعارض بودن با اخلاق ورزشی، حفاظت از سلامت ورزشکاران و برقراری محیطی سالم و رقابتی امن اشاره کرد.

در واقع دوپینگ برخلاف ذات ورزش و ارزش‌های مدنظر اوست؛ چون از نتایج ورزش حفظ سلامتی بدنی و تعالی روحی فردی و جمعی است. در مقابل، پدیده دوپینگ به سلامتی بدنی و روانی ورزشکار آسیب می‌زند و منجر به سکنه قلبی یا مغزی و در نهایت مرگ می‌شود و اگر ورزشکار ملی باشد و از مسابقات رسمی ملی یا بین‌المللی محروم شود برای جامعه ملی و ورزشی سخت و سنگین است.

اثرات مخرب دوپینگ به ورزش، اجتماع و... باعث تشکیل «کنوانسیون بین‌المللی یونسکو علیه دوپینگ در ورزش» در اکتبر سال ۲۰۰۵ میلادی شد. سپس دولت‌ها نیز بر اساس ساختار قانونی خود به این کنوانسیون ملحق شدند و مجموعه قوانین و آیین‌نامه‌ها و استانداردهای آن را پذیرفتند. امروزه دوپینگ و مصرف داروهای غیرمجاز توسط ورزشکاران افزایش یافته است؛ باتوجه به اینکه مصرف این قبیل داروها باعث می‌شود ورزشکار از لحاظ جسمی و معنوی آسیب ببیند، لذا قوانین مربوطه، مریبان و پزشکان ورزشی را موظف به مراقبت، نظارت و پیشگیری از مصرف داروهای غیرمجاز توسط



که عبارت است از استفاده ورزشکار از مواد شیمیایی غیرمجاز. دوپینگ خونی یک روش ممنوعه در ورزش است؛ افزایش هموگلوبین خون را دوپینگ خونی می‌گویند. در این روش خون خود ورزشکار نگهداری می‌شود و قبل از مسابقه به وی تزریق می‌شود؛ این عمل باعث افزایش توانایی، حمل اکسیژن در خون، افزایش مقاومت و نهایتاً افزایش قدرت استقامتی فرد در ورزش‌هایی نظیر اسکی، دوچرخه‌سواری می‌شود. لیست داروهای ممنوعه

داروهای ممنوعه به دو دسته داروهای نیروزای طبیعی و داروهای نیروزای مصنوعی تقسیم می‌شوند. از جمله داروهای نیروزای طبیعی می‌توان به الکل، ماری‌جوانا، کافئین و کوکائین اشاره کرد؛ که هر کدام تأثیر متفاوتی بر بدن دارند. داروهای صنعتی که در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: آگونیست بتا، داروهای مخدر، بی‌حس‌کننده‌های موضعی، داروهای ضدالتهابی غیراستروئیدی، شل‌کننده‌های عضله، داروهای ضداسهال، مکمل‌های غذایی، ترکیبات مربوط به سرماخوردگی و سرفه.

آمار دوپینگ در ورزش‌های مختلف

بر طبق آمار به‌دست‌آمده بیشترین میزان دوپینگ در رشته‌های وزنه‌برداری، دومیدانی، بدنسازی، کشتی و فوتبال و کمترین میزان، مربوط به رشته‌های هاکای روی چمن می‌باشد.

دوپینگ آگاهانه و دوپینگ غیرآگاهانه

امروزه هیچ ابزار دقیقی برای تفکیک دوپینگ آگاهانه و غیرآگاهانه وجود ندارد؛ بنابراین ورزشکاران باید نسبت به احتمال دوپینگ ناخواسته آگاه باشند؛ زیرا که بر اساس قوانین بین‌المللی صرف‌نظر از منشأ آن ماده، ورزشکار مسئول وجود هرگونه ماده غیرمجاز در نمونه خود خواهد بود.

مجازات‌های ورزشکاران مرتکب دوپینگ

بر اساس قوانین فعلی، آزمایش دوپینگ در هر رویداد ورزشی صورت می‌گیرد و مقام‌های اول تا چهارم مورد آزمایش دوپینگ قرار می‌گیرند؛ در آخر در هر مکان و زمانی احتمال آزمایش دوپینگ برای هر ورزشکار وجود دارد؛ حتی اگر مقامی کسب نکرده باشد.

مجازات‌های دوپینگ آگاهانه

در صورت مصرف استروئیدهای آنابولیک، داروهای ادرازاور، هورمون‌های پپتیدی و گلیکو پروتئینی و آنالوگ‌های آن‌ها؛ در اولین ارتکاب به جرم ۲ تا ۴ سال محرومیت از شرکت در مسابقات رسمی، در دومین ارتکاب به جرم محرومیت مادام‌العمر از شرکت در مسابقات رسمی محکوم می‌شوند.

مجازات‌های دوپینگ غیرآگاهانه

در رابطه با مصرف مواد غیرمجاز دیگر به جز موارد مذکور در دوپینگ آگاهانه؛ در اولین مورد تخلف سه تا شش ماه محرومیت از شرکت در مسابقات رسمی، در دومین مورد تخلف، دو سال محرومیت از شرکت در مسابقات رسمی، در سومین مورد تخلف، به محرومیت مادام‌العمر از شرکت در مسابقات رسمی محکوم می‌شوند.

مجازات‌های مشترک دوپینگ آگاهانه و دوپینگ غیرآگاهانه

عدم شرکت در مسابقات بین‌المللی و یا مسابقات تحت نظارت فدراسیون ملی، محرومیت از شرکت در سمینار و یا همایش بین‌المللی و رسمی، محرومیت از موقعیت شغلی (داوری، مربیگری، مسئولیت، ریاست و مشاوره) ورزشی.

سلب هرگونه ترفیع، مدال، عنوان و مقام‌هایی که در هنگام یا پس از تاریخ دوپینگ کسب شده است. همچنین در مورد ارتکاب به جرم دوپینگ ورزشکاران، گاهی مجازات‌هایی برای شخصیت‌های حقوقی از قبیل فدراسیون‌های مربوطه و باشگاه‌های ورزشی در نظر گرفته می‌شود که اکثراً مجازات‌های مالی می‌باشند.

دوران محرومیت ورزشکار

صلاحیت انتخاب برای مسابقه در هیچ کدام از مسابقات بین‌المللی به

رسمیت شناخته‌شده و یا هر مسابقه‌ای که تحت نظارت فدراسیون ملی باشد را ندارد؛ محروم از شرکت در سمینار یا همایش است؛ صلاحیت انتخاب بازی یا هر موقعیت شغلی نظیر داوری، مربیگری، مسئولیت، ریاست، مشاوره و... را ندارد؛ هرگونه ترفیع، مدال، عنوان و مقام‌هایی که در هنگام یا پس از تاریخ دوپینگ کسب کرده است از وی سلب خواهد شد؛ هر ورزشکار، مربی، داور، رئیس، مشاور یا هر شخصی که در رابطه با مواد ممنوعه یا روش‌های ممنوعه مجرم شناخته شود، در همان اولین ارتکاب جرم به طور مادام‌العمر محروم می‌گردد.

مسئولیت حوادث ناشی از دوپینگ

به‌طورکلی می‌توان گفت که اگر مرتکب دوپینگ، خود ورزشکار باشد، در صورت بروز صدمات جسمانی و روحی هیچ کس به‌جز ورزشکار مسئول نیست؛ اما اگر اجبار و اکراه توسط مربی، پزشک، سرپرست و... باعث بروز صدمات جسمانی و روحی (ناشی از مصرف مواد ممنوعه) به ورزشکار شود، در صورتی که سبب اقوی مباشر باشد مسئول هستند؛ در نهایت فدراسیون ملی هر کشور مسئول شرکت سالم و عاری از دوپینگ ورزشکاران در مسابقات است؛ به همین جهت در صورت احراز دوپینگ توسط ورزشکار، مجازات‌ها و جریمه‌هایی نیز برای فدراسیون مربوطه در نظر گرفته می‌شود.

منابع

۱. مسئولیت کیفری ورزشکاران در استفاده از داروهای نیروزا در ایران و آلمان، بهروز جوانمرد، ساجده عبداللهی.

۲. مسئولیت کیفری ناشی از تجویز داروهای غیرمجاز (دوپینگ) در ورزش با نگاهی به قوانین ایران و فقه امامیه، مرتضی زنگنه، عادل ساریخانی، مسعود زنگنه.

۳. دوپینگ و واکاوی رویه دیوان دآوری ورزش در مقابله با آن، مهدی زاهدی، علی دادگر، سیدقاسم زمانی، آرامش شهبازی.

۴. دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزشی و جایگاه دیوان دآوری ورزش در تنسيق رویه بین‌المللی در این زمینه آرامش شهبازی. پویا برلیان، لی، برابری و نفع متقابل، رفع موانع حقوقی تجارت بین‌الملل و فراهم‌آوردن موجبات توسعه آن اشاره نمود. این کنوانسیون در چهار فصل تنظیم شده است.

در فصل سوم این کنوانسیون (Sale of goods یا فروش کالا) به آثار بیع و حقوق و تعهدات فروشنده پرداخته شده است؛ این فصل مشتمل بر ۶۴ ماده (از ۲۵ تا ۸۸) است و قسمت عمده کنوانسیون را تشکیل می‌دهد.[۴]

بدین ترتیب به‌صورت مختصر به حمل‌ونقل کالا در تجارت بین‌المللی و انحاء آن پرداخته شد؛ گروهی از قوانین که در همین خصوص به تصویب رسیده معرفی شد و دریافتیم که با بررسی دقیق‌تر این مقررات می‌توان حقوق و مسئولیت‌های فروشنده و خریدار در حقوق تجارت بین‌الملل را شناسایی کرد.

۱. <https://bslshipping.com/> حمل-و-نقل-بین-المللی-چیست؟/

۲. <https://www.attorneytehran.com/> نکات-حقوقی-درباره-

تجارت-بین-الملل/

۳. جهت مطالعه بیشتر به منبع مزبور مراجعه شود.

۴. <http://lawyerusapoor.blogfa.com/post/19/>

حمل و نقل کالا در تجارت بین الملل و مسئولیت خریدار و فروشنده

سیده تینا شریعت پناهی



در تجارت بین‌المللی از چه ابزاری برای انتقال کالا به فروشنده استفاده می‌شود؟ فروشنده برای ارسال کالا چه مسئولیتی دارد؟ در این مطلب بناست به صورت مختصر به حقوق و مسئولیت‌های هر یک از طرفین، فروشنده و خریدار، در ارسال و تحویل‌گرفتن کالا و روش‌هایی که طرف فروشنده برای تحویل کالای خود به مشتری از آن استفاده می‌کند، بپردازیم. در گذشته روش‌های حمل‌ونقل در تجارت بین‌المللی بسیار محدودتر از امروز بود. پس از اختراع قطار و پس از آن هواپیما، تجارت بین‌المللی گسترش پیدا کرد و در نتیجه این گسترش، پرداخت به حقوق و مسئولیت‌های طرفین قراردادهای بین‌المللی درست مانند قراردادهای در حقوق داخلی در آن اهمیت بیشتری پیدا کرد و پرداخت به آن از ضروریات شد. حمل‌ونقل کالا در تجارت بین‌الملل به معنای انتقال کالا از کشوری به کشور دیگر است؛ این مسئله در تجارت بین‌الملل اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه انتخاب روش حمل‌ونقل کالا، در کاهش یا افزایش هزینه‌ها تأثیرگذار است. عوامل مختلفی از جمله نیاز تجاری، مسافت کشور مقصد، هزینه، قانون کشور مقصد و ارزش کالا بر انتخاب روش حمل‌ونقل توسط شرکت‌ها اثر می‌گذارد.

مهم‌ترین ویژگی‌های روش حمل‌ونقل، کوتاه و سریع و کم‌هزینه بودن آن است. انواع روش‌های حمل‌ونقل در تجارت بین‌الملل عبارت‌اند از: هوایی؛ دریایی؛ ریلی جاده‌ای و جاده‌ای. فعالیت‌های مختلفی برای شرکت‌های حمل‌ونقل وجود دارد؛ ولی دو نوع عمده آن عبارت‌اند از کرایه و فروردر؛ فعالیت فروردر عبارت است از حمل کالا از طریق روش زمینی، هوایی، دریایی یا ترکیبی از آن‌ها؛ فعالیت کرایه عبارت است از حمل کالا بدون واسطه از کشور مبدأ به کشور مقصد به صورت زمینی. حمل‌ونقل هوایی؛ این روش از امنیت و سرعت بالایی برخوردار است و مناسب کالاهایی است که از نظر تحویل کالا فورس زمانی دارند؛ لکن از معایب آن می‌توان به هزینه بالا و امکان تأخیر یا لغو اشاره کرد. حمل‌ونقل دریایی؛ مناسب حمل کالاهایی با حجم بالا است که از نظر تحویل، محدودیت زمانی برای آن‌ها وجود ندارد. از معایب آن می‌توان به ردیابی دشوار، مالیات زیاد بندر و امکان تأخیر به خاطر نامساعد بودن هوا اشاره کرد. حمل‌ونقل ریلی؛ کم‌هزینه و مقرون‌به‌صرفه است؛ اما گران‌تر از حمل‌ونقل جاده‌ای است و در مناطق دورافتاده غیرقابل انعطاف است.

حمل‌ونقل جاده‌ای؛ روشی کم‌هزینه است؛ امکان استفاده از آن برای شبکه‌های گسترده جاده‌ای وجود دارد و تحویل آن به صورت خصوصی و ایمن انجام می‌شود؛ لکن در مسافت‌های طولانی معایب آن بیشتر از مزایای آن هستند. همچنین این روش مناسب هر نوع کالایی نیست و امکان آسیب دیدن کالا به دلیل تصادف یا تأخیر در تحویل آن به دلیل ترافیک، زیاد است. [۱]

مسئولیت خریدار و فروشنده در قراردادهای حقوق داخلی در قانون خاص هر کشور مشخص شده تا از تزییع حق اشخاص جلوگیری شود؛

از همین رو انتظار داریم در حقوق بین‌المللی هم قانون خاصی در این موضوع وجود داشته باشد. در حقوق تجارت بین‌الملل قوانین زیادی وضع شده است که مهم‌ترین آن‌ها قوانین اینکوترمز می‌باشد؛ این قانون در سال ۱۹۳۶ وضع شد؛ این قوانین به‌عنوان استاندارد قراردادی جهانی رمزگذاری شده است که با ایجاد وقایع در تجارت بین‌المللی به‌روز می‌شوند. قوانین اینکوترمز تمامی سؤالات در مورد واردات و صادرات کالا را پاسخ می‌دهد.

قانون EWX (گروه E)؛ به معنای دریافت کالا در نقطه ارسال است. یعنی فروشنده می‌تواند کالا را در محل انبار یا تولید، آن کالا را به فروشنده تحویل دهد.

قانون F؛ یعنی خریدار می‌تواند محل تحویل کالا را مشخص کند.

قانون C؛ به این معناست که کالا به خریدار تحویل داده شده و کلیه هزینه‌ها از حمل تا مقصد به عهده فروشنده خواهد بود. همچنین اگر مشکل و یا خسارتی ایجاد گردد، جبران آن به عهده خریدار است.

قانون D؛ فروشنده مسئولیت تحویل کالا را برعهده خواهد داشت.

گروهی از حقوق و مسئولیت‌های فروشنده و خریدار در قوانین مزبور ذکر شده‌اند. برای اینکه مشکلات در خصوص صادرات و واردات به حداقل برسد، دولت‌ها بین خود، قراردادهای بین‌المللی منعقد می‌کنند. یک عنصر خارجی باید وجود داشته باشد که این قراردادها بین‌المللی شوند؛ این عنصر خارجی هر چیزی می‌تواند باشد؛ به‌طور مثال می‌تواند تابعیت طرفین یک رابطه قراردادی، محل انعقاد قرارداد، محل اجرای تعهدات قراردادی یا محل انجام تعهد باشد. [۲]

همان‌طور که دریافتیم، یکی از مجموعه مقررات حاکم بر تجارت بین‌المللی، قوانین اینکوترمز هستند که در آن بخش بزرگی از حقوق و مسئولیت‌های فروشنده و خریدار صریحاً ذکر شده است. [۳]

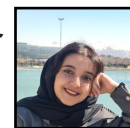
علاوه بر این قوانین، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CIGS) است که در ژانویه ۱۹۸۸ لازم‌الاجرا شد. از اهداف اجرای این کنوانسیون می‌توان به برقراری یک نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، برابری و نفع متقابل، رفع موانع حقوقی تجارت بین‌الملل و فراهم آوردن موجبات توسعه آن اشاره نمود. این کنوانسیون در چهار فصل تنظیم شده است.

در فصل سوم این کنوانسیون (Sale of goods یا فروش کالا) به آثار بیع و حقوق و تعهدات فروشنده پرداخته شده است؛ این فصل مشتمل بر ۶۴ ماده (از ۲۵ تا ۸۸) است و قسمت عمده کنوانسیون را تشکیل می‌دهد. [۱]

بدین ترتیب به صورت مختصر به حمل‌ونقل کالا در تجارت بین‌المللی و انحاء آن پرداخته شد؛ گروهی از قوانین که در همین خصوص به تصویب رسیده معرفی شد و دریافتیم که با بررسی دقیق‌تر این مقررات می‌توان حقوق و مسئولیت‌های فروشنده و خریدار در حقوق تجارت بین‌الملل را شناسایی کرد.

حقوق آثار هنری و میراث فرهنگی در حقوق ایران

حنانه عباسی



از میراث فرهنگی به‌عنوان خمیرمایه حفظ و بقاء هرکشوری یاد می‌شود؛ این مؤلفه می‌تواند زمینه توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... کشور را فراهم آورد؛ به‌علاوه اینکه میراث فرهنگی هر کشوری زمینه‌ساز ایجاد حس همبستگی و اتحاد بین مردم آن کشور است که از این حس تحت عنوان حس هویت ملی یاد می‌شود و در دنیای هرج‌ومرج کنونی از مؤلفه‌های قدرت نرم هر کشوری محسوب می‌شود. درواقع هر ملت و دولتی از طریق نگاه به گذشته تاریخی و فرهنگی خود فرصت شناسایی و بازیابی هویت ملی خود را پیدا می‌کند.

باتوجه به این اوصاف حفظ این آثار از اهمیت بسیاری برخوردار است و به همین دلایل است که ضرورت حفاظت از این آثار به‌عنوان یک دغدغه ملی و جهانی در نظام حقوقی هر کشوری متبلور شده است. نخست به تعریف برخی از لغات مهم در این خصوص می‌پردازیم؛ فرهنگ (culture): مجموعه‌ای از توانایی‌ها، عادت‌ها، جهان‌بینی‌ها، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، گرایش‌های سیاسی و ملی و علایقی است که فرد به‌عنوان عضو یک جامعه کسب کرده و موضع و رفتار فرد را نسبت به پدیده‌های اجتماعی و طبیعی تعیین می‌کند.

میراث (heritage): در لغت به معنی آن چیزی است که به ارث رسیده است. این واژه مفهوم انتقال از گذشته به آینده را فراهم می‌کند. درواقع به میراث، بایستی به‌عنوان ماترکی نگاه کنیم که از نیاکان به ما رسیده است و باید به نسل‌های آینده انتقال دهیم.

میراث فرهنگی (cultural heritage): درحقیقت تعریف واحدی از میراث فرهنگی وجود ندارد و در ماده ۲۵ قانون مدنی کشور ما برخی از مصادیق میراث فرهنگی را نام برده است؛ از قبیل اموال عمومی، مباحات و اموال مجهول‌المالک.

این سه مورد اموالی هستند که مالک خاص نداشته و قانون مدنی صرفاً مصادیقی از آنچه که امروز میراث فرهنگی نامیده می‌شود، ذیل این موارد ذکر کرده است.

درمورد آثار ملکی‌ای که جزء میراث فرهنگی کشور هستند و در تملک دولت قرار دارند، ماده ۱۱۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ ه.ش مجلس شورای اسلامی فروش اموال منقول را که از نفایس ملی می‌باشد و همچنین آثار و بناهای تاریخی را ممنوع اعلام کرده است.

درحقیقت قانون مدنی به مفهوم خاص کلمه، ذکری از اموال تاریخی و فرهنگی نبرده است و فقط در باب دفینه که ازجمله مباحات است، احکامی را بیان نموده است و قانون مذکور درخصوص اموال تاریخ - فرهنگی به مفهوم علمی آن و احکام مربوط به نحوه کشف، تملک، حقوق دولت و... احکامی را بیان نکرده است.

نتیجه‌گیری

گردشگری ملی و بین‌المللی یکی از مهم‌ترین ابزار تبادل و تعامل علمی و فرهنگی بوده است و فرصتی برای ادراک تجربه‌های زندگی گذشته است؛ همچنین یک موقعیت اساسی اقتصادی برای کشورها فراهم می‌کند که اگر به‌درستی اداره شود، می‌تواند عامل مؤثری در توسعه باشد. ازسوی دیگر به دلایل علمی و شناخت هویت ملل مختلف حفاظت از این موارد ضروری است. این موارد از سوابق علمی، پیشرفت‌های هنری و صنعتی، روابط حقوقی، ارتباطات سیاسی و... پرده برمی‌دارد. کشور ما ایران در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی دارای قوانینی با قدمت بیش از ۷۰ سال است. جای تأسف است که پس از گذشت این مدت طولانی و گسترش روزافزون علوم و تکنولوژی هنوز مقررات مذکور مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و بسیار محدود هستند و تغییرات قابل‌توجهی در آن‌ها اعمال نشده است. در واقع فرهنگ‌سازی و آموزش‌دهی به آحاد جامعه مورد توجه نیست و به‌نظر می‌رسد که قانونگذار ایرانی به مسائل و نیازهای مادی بیشتر توجه کرده است! همچنین در قوانین، تعریف یکسانی از واژه‌های مرتبط با میراث فرهنگی دیده نمی‌شود؛ که این ضعف بزرگی است. برای حمایت بیشتر از میراث فرهنگی علاوه بر تصویب قوانینی کارآمد با ضمانت اجرای قوی، بهتر است که آموزش همگانی از طریق رسانه‌ها، مدارس و... جدی گرفته شود تا افراد جامعه به ارزش این آثار پی ببرند و در پی حفاظت از آن‌ها باشند.

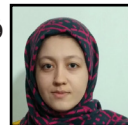
باشد که در حفظ میراث کشور عزیزمان کوشا باشیم.

منابع

۱. ابوترابیان، حسین (۱۳۷۴): مقاله فرهنگ و توسعه فرهنگی
۲. مقاله بررسی حمایت کیفری از اموال فرهنگی در حقوق ایران، محسن عبداللهی، بهناز نصیرزاده، علیرضا سایبانی
۳. پایگاه اطلاع رسانی دولت dolat.ir

بررسی مفاهیم دارای معنای متفاوت در قانون مدنی و قانون ثبت

فاطمه راستگو



اینکه ق.ث. قانون اخص است، حسب آنچه در ق.ث. آمده اگر آن سند رسمی محسوب نشود، آثار سند رسمی بر آن بار نمی‌شود.

اموال مجهول‌المالک

اموال مجهول‌المالک مطابق ق.م اموالی هستند که در ملکیت اشخاصند؛ ولی مالک آن‌ها معلوم نیست. در واقع این اموال مالک دارند ولی مالک مجهول است؛ از طرفی اعراض مسلم نیست و این اموال جزء مباحات محسوب نمی‌شود. اموال مجهول‌المالک را باید از اموال عمومی شمرد؛ که قانون مصرف آن را در مقام دستگیری از فقرا قرار داده است. (ماده ۲۸ ق.م.)

از منظر ق.ث. ملک مجهول‌المالک ملکی است که اظهارنامه آن برگشت نشده و برای آن اظهارنامه تنظیم نشده است. (ماده ۱۳۹ و ۱۲ ق.ث.) در واقع در قانون ثبت زمان پلاک‌کوبی در ثبت عمومی در دفتر توزیع اظهارنامه، به نام اشخاص معرفی گردیده؛ ولی از طرف مالک یا قائم‌مقام قانونی وی درخواست ثبت در ظرف مدت مقرر به عمل نیامده است؛ شماره ملک مزبور به آن اظهارنامه‌ها در آگهی نوبتی مجهول‌المالک اعلام می‌شود و این املاک پس از انتشار آگهی نوبتی در دفتر املاک مجهول‌المالک به ثبت خواهند رسید.

در بررسی تفاوت تعریف آن می‌توان گفت رابطه این دو تعریف، عموم و خصوص منوجه می‌باشد. ممکن است مالی از دیدگاه ق.م. مجهول باشد ولی از دیدگاه ق.ث. مجهول نباشد؛ مانند مال منقول که چون قابل ثبت نمی‌باشد، فقط از دیدگاه ق.م. مال مجهول‌المالک است و بالعکس ممکن است مالی از منظر ق.ث. مجهول باشد ولی از منظر ق.م. مجهول‌المالک نباشد؛ مانند مال غیرمنقولی که مالک آن مشخص است اما در مدت مقرر اقدام به ثبت مال ننموده است.

منابع

۱. شهری، غلامرضا (۱۳۸۳)، حقوق ثبت اسناد و املاک، تهران: جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

۲. حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۸۲)، حقوق ثبت ثبت املاک، ثبت اسناد و اجرای اسناد رسمی، تهران: حقوقدان دانش‌نگار

۳. صفایی، سیدحسین (۱۴۰۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، اشخاص و اموال، تهران: نشر میزان

۴. قانون مدنی

۵. قانون ثبت اسناد و املاک

حقوق ثبت و مسائل ثبتی ارتباط بسیار عمیق و بنیادینی با حقوق مدنی دارد. حقوق ثبت را نمی‌توان منحصرأ در حیطه خصوصی تعریف و طبقه‌بندی کرد؛ زیرا این رشته حقوقی از ابعاد مختلف با حقوق عمومی ارتباط پیدا کرده و قواعد آن در اغلب موارد، واجد جنبه آمرانه بوده و با نظم عمومی مرتبط می‌باشد.

سند

سند در ق.ث. تعریف نشده است. مطابق ماده ۱۲۸۴ ق.م. سند عبارت است از «هر نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع، قابل استناد باشد»؛ سند رسمی و عادی است. در خصوص سند رسمی از دید قانون مدنی (ماده ۱۲۸۷)، سند رسمی شامل سندی است که در اداره ثبت اسناد و املاک، در دفاتر اسناد رسمی و یا نزد (توسط) مأمورین رسمی و ذی‌صلاح تنظیم شده باشد؛ اما از نظر قانون ثبت با مطالعه مواد مربوطه استنباط می‌شود که سندی که مطابق قوانین در دفاتر اسناد رسمی ثبت شده باشد، سند رسمی است.

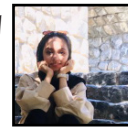
تفاوت سند رسمی در قانون ثبت و قانون مدنی فقط از جهت تعریف نیست؛ بلکه آثار آن‌ها نیز متفاوت است. سند رسمی در قانون ثبت، اخص از سند رسمی مذکور در قانون مدنی است و رابطه تعریف آن در این دو قانون عموم و خصوص مطلق است؛ به این توضیح که هر سندی که از نظر ق.ث. رسمی است از نظر ق.م. هم رسمی است؛ زیرا به تصریح ماده ۱۲۸۷ ق.م اسناد ثبت شده در دفاتر اسناد رسمی یا در اداره ثبت اسناد و املاک رسمی است. اما ممکن است سندی از نظر ق.م. رسمی باشد ولی از نظر ق.ث. به آن سند رسمی گفته نشود؛ مانند شناسنامه، که توسط مأمور ذی‌صلاح و مطابق مقررات صادر گردیده است.

سند مالکیت نمونه دیگری است که بنابر ق.م. از اسناد رسمی است و می‌توان گفت مهم‌ترین اسناد است؛ زیرا اعتبار آن برای همه افراد است و تمام مقامات رسمی نیز به آن اعتبار می‌دهند؛ اما در عرف ثبت به آن، سند مالکیت می‌گویند نه رسمی؛ و لذا اثر خاص سند رسمی را که لازم‌الاجرا بودن آن بدون حکم دادگاه است را ندارد؛ مثلاً با ارائه سند مالکیت، اجرائیه بر تخلیه ملک یا خلع ید از آن نمی‌توان صادر کرد.

در نهایت در نتیجه بررسی آثار متفاوتی که سند رسمی در ق.م. و ق.ث. دارد، می‌توان گفت سندی که ق.ث. به آن سند رسمی می‌گوید، بدون حکم دادگاه قابل اجرا می‌باشد و اگر اختلاف یا اشکال یا اشتباهی در تنظیم آن باشد، حسب مورد در اداره کل امور اسناد سازمان ثبت یا در هیئت نظارت و شورای عالی ثبت، مطرح می‌شود. در صورتی که سند رسمی صرفاً مشمول تعریف ق.م. باشد مانند شناسنامه، گواهینامه رانندگی و سایر اسناد رسمی که توسط سایر مأمورین دولت تنظیم می‌شود، قابل طرح در هیئت نظارت یا لازم‌الاجرا نمی‌باشد و در تعارض ق.م. و ق.ث. در رسمی بودن یا نبودن یک سند، باتوجه به

توسعه با طعم تخریب میانکاله

الهه صادقی



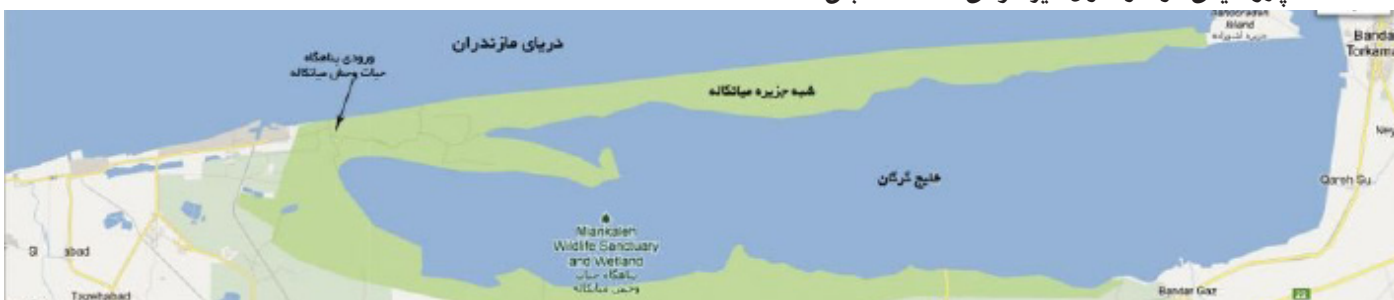
تالاب میانکاله درون شبه جزیره‌ای باریک به همین نام قرار دارد. این تالاب از شمال به دریای مازندران و از جنوب به خلیج گرگان، از غرب به تالاب زاغمرز و از شرق به آشوراده و از طریق کانال باریکی به بندر ترکمن می‌رسد و از جمله دلایل اهمیت میانکاله این است که در تمام سواحل جنوبی دریای مازندران هیچ منطقه‌ای جز آن وجود ندارد که محیط طبیعی آن در وضعیتی نسبتاً دست‌نخورده باقی مانده باشد و همین‌طور از دیگر دلایل اهمیت آن، این است که سلامتی نسبی میانکاله موجب شده تا تالاب‌ها و سواحل این منطقه افزون‌بر پرندگان مهاجر، محل تخم‌گذاری و زیستگاه اصلی بسیاری از ماهیان دریایی مازندران می‌باشد و نزدیک به نیمی از خاویار ایران از آب‌های این منطقه صید می‌شود. طبق اصل ۵۰ قانون اساسی؛ در جمهوری اسلامی حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود؛ از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل‌جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است. در راستای اصل ۱۳۸ قانون اساسی، استقرار واحدهای صنعتی در استان گیلان، مازندران و گلستان در شهرک‌های صنعتی و نواحی صنعتی روستایی، استقرار صنایع ذیل در استان‌های یادشده در صورت دارا بودن فاضلاب صنعتی به‌عنوان یک اصل کلی ممنوع شده است؛ در حالی‌که با اعلام وزیر کشور، اجرای طرح احداث کارخانه پتروشیمی در بهشهر استان مازندران در دستورکار قرار گرفته است و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌گوید: «اجرای این طرح مجوز رسمی از سازمان حفاظت محیط‌زیست ندارد.»

پتروشیمی میانکاله و چند تخلف قانونی در آزادسازی این عرصه جهت واگذاری از طریق مدیریت امور اراضی، چند تخلف صورت گرفته است. مدیر منابع طبیعی بهشهر در گزارش بازدید اعلام کرده، این عرصه فاقد طرح مرتع‌داری است. این در حالی است که یک سال و اندی قبل، طرح مرتع‌داری تلفیقی در ۹۰ صفحه در کمیته فنی اداره کل منابع طبیعی مازندران به اتفاق آراء به تصویب رسیده بود؛ برای همین این گزاره که این عرصه فاقد طرح مرتع‌داری است، خلاف واقع است. موضوع دیگر این است که احداث پتروشیمی در مازندران غیرقانونی است. مطابق ماده ۱۰۵

قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۷۱ قانون برنامه چهارم توسعه که از احکام دائمی است، تمامی پروژه‌های بزرگ باید گزارش ارزیابی زیست‌محیطی، هم از باب امکان‌سنجی و هم از باب مکان‌یابی داشته باشند. برای امکان‌سنجی و مکان‌یابی هم باید به مصوبات شورای عالی محیط‌زیست و مصوبات هیئت دولت مراجعه شود. در سال ۱۳۸۱ مصوبه‌ای در هیئت وزیران به شماره ۳۲۷۱۹ داریم که اعلام می‌کند در سه استان شمالی ایران، ایجاد صنایع شیمیایی که در روند تولید، دارای فاضلاب هستند اساساً ممنوع است. این یکی از مواردی است که ایجاد پتروشیمی در میانکاله را غیرقانونی جلوه می‌دهد. موضوع دیگر هم اینکه در سند چشم‌انداز صنایع نفت و گاز که در راستای سیاست‌های کلی نظام است و از اسناد بالادستی به حساب می‌آید که برای تمامی قوا لازم‌الاجراست، آمده که اولویت احداث پتروشیمی در سواحل شمالی خلیج فارس است؛ برای همین می‌بینیم که برای احداث پتروشیمی میانکاله نه روندهای قانونی طی شده و نه به اسناد بالادستی توجه شده است. طبیعت بی‌نظیر مازندران، بزرگ‌ترین نعمت است و توافقات زیست‌محیطی، برای پتروشیمی اخذ شده و جای قدردانی است که محیط‌زیست اولویت اصلی است؛ و براساس خبرنگاری ایرنا، آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در آخرین جلسه هیئت دولت به رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست، دستور داد موضوع احداث پتروشیمی میانکاله را بررسی و با احصای موارد خلاف قانون و آسیب‌زا برای محیط‌زیست، سریعاً از اجرای آن جلوگیری کند. و در پی افزایش انتقادات، دادیار دادرسی دیوان عالی کشور و مدیرکل حوزه حقوق عامه دادستانی کل کشور در نهایت دستور توقف اجرای طرح پتروشیمی میانکاله صادر شده است.

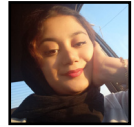
منابع

۱. خبرگزاری تابناک [/https://www.tabnak.ir](https://www.tabnak.ir)
۲. شرق <https://www.sharghdaily.com/fa>
۳. ایرنا [/https://www.ira.ir](https://www.ira.ir)
۴. محمد داسمه، وکیل دادگستری و محقق این موضوع
۵. علی سلاجقه، محقق معترض به ساخت پتروشیمی در میانکاله



۱۹۸۷، وقتی که آن روز فرا برسد...

غزل محمدی‌وش



یکی از مهم‌ترین ابزار دولت وقت برای حفظ جایگاهش در مقابل دموکراسی‌خواهان، سرکوب و کشتار بی‌رحمانهٔ مردم و دانشجویان معترض توسط نیروی نظامی بود، مردمی که فقط خواهان حق و حقوق اولیهٔ خود بودند و چنین پاسخ‌کوینده و ضدانسانی‌ای نه تنها مؤثر نبود، بلکه خشم مردم را بیشتر و در نهایت منجر به پیروزی دموکراسی‌خواهان شد.

این فیلم نمایانگر حق برخورداری مردم از اصول اولیه و اساسی حقوقی، نظیر حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خویش، حق داشتن اعتراض و از همه مهم‌تر حق داشتن آزادی بیان و... است؛ همین‌طور جلوه‌هایی از عدالت‌طلبی‌ها، ظلم‌ستیزی‌ها، ایثار و وحدت مردم کرهٔ جنوبی در آن زمان را در این فیلم به وضوح می‌توان دید.

پیام اصلی انقلاب ۱۹۸۷ به بیانی ساده این است، که ما انسان‌ها بیشتر به خاطر ناگفته‌هایمان بازخواست خواهیم شد تا گفته‌هایمان... .

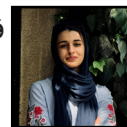
فیلم «۱۹۸۷ وقتی که آن روز فرا برسد» محصول سال ۲۰۱۷ کرهٔ جنوبی به کارگردانی آقای جانگ جون‌هاوان، روایتگر انقلاب سال ۱۹۸۷ میلادی است. شروع این انقلاب با مرگ یک دانشجوی ۲۲ ساله به دست کمیتهٔ ضدکمونیسیت به سرپرستی آقای پارک است. علت مرگ دانشجو شکنجه نیروهای پلیس بوده که با کتمان حقیقت، تظاهرات گسترده‌ای را مردم و در رأس آن دانشجویان دانشگاه ملی سئول به راه می‌اندازند؛ دادستان این شهر با پیگیری و صدور دستور کالبدشکافی جسد، اطلاعات پزشکی مقتول را به دست خبرنگاران شجاع می‌رساند و خبرنگاران و عاملان فداکاری نظیر زندانبان و خواهرزاده‌اش و... با افشای حقیقت مرگ دانشجو با درج در روزنامه‌ها، اعتراضات علیه دیکتاتوری و کتمان‌کاری‌های دولت بیشتر می‌شود.

آنان حتی به دادن رشوه، شکنجه و تهدید به مرگ خانواده‌هایشان هم برای سرپوش‌گذاشتن علت مرگ دانشجو، متوسل می‌شوند و درواقع آن‌ها مجرمانی پلید در قالب دولتمردان وفادار به وطن هستند.



عدالت و عدالت شرعی و سهم آن در حقوق ایران

فاطمه صادقی



مقدمه

عدالت به مثابه اصلی‌ترین عنصر مولد حقوق، جزء جدایی‌ناپذیر این علم وسیع می‌باشد. سیر نظام‌های حقوقی مختلف در هر کشور با نیل به هدف اجرای صحیح عدالت، خود را همواره در تیررس دیدگاه‌ها و نظریات مختلف عرصه علوم انسانی قرار داده تا پویایی نظام حقوقی خود را سنجیده و آن را متحول نمایند. حقوق ایران نیز با مبنا قراردادن مفهوم عدالت و عدالت شرعی که هر یک در جای خود بیان خواهد شد؛ نظام حقوقی خود را پیریزی کرده است. در این مقاله به بررسی عدالت و عدالت شرعی و جایگاه آن در حقوق ایران به‌طور مختصر می‌پردازیم.

مفهوم عدالت

لغت‌نامه دهخدا عدالت را دادگری معنا می‌نماید. به نقل از جرجانی، عدالت در لغت استقامت باشد؛ اما در اصطلاح تعاریف متعددی از مفهوم عدالت شده است؛ به‌عنوان مثال ارسطو در کتاب اخلاق خود، «عدالت» را به ۲ دسته طبیعی و قانونی تقسیم می‌کند. مقصود او از عدالت طبیعی، قواعد همگانی و نوعی است که از طبیعت اشیاء سرچشمه می‌گیرد و ارتباطی به عقاید اشخاص و قوانین حاکم بر جامعه ندارد؛ برعکس، عدالت قانونی وابسته به اوامر و نواهی قانون است و ضابطه نوعی ندارد. روسو عدالت را اراده مردم یک جامعه برای مشارکت آزادانه می‌داند؛ از جهتی هیوم معتقد است که عدالت زمانی محقق می‌شود که نیازهای متقابل افراد تأمین شود؛ کانت

مفهوم عدالت را جدای از هرگونه مفهوم آسمانی و الهی می‌داند و در زمینه حقوق معتقد بر اصول اخلاقی و حقوق منطبق بر اخلاق است. در عرصه عدالت، نظریات و برداشت‌های متعددی از این مفهوم شده است؛ بر این اساس به نظر می‌آید که عدالت در دوران‌های مختلفی با تناسب زمانه حاکم بر اجتماع، اشکال و برداشت‌های متعددی را به خود اختصاص داده است تا حقوق هر فرد در اجتماع حفظ شود و نظم و برابری رعایت گردد؛ بنابراین می‌توان به مفهوم «عدالت زمانه» اشاره کرد (کاتوزیان، ناصر، حقوق و عدالت) و گفت در دوران‌های مختلف عدالت، جامعه زمان را بر تن کرده تا بتواند حقوق افراد را حفظ نماید و باعث نظم در اجتماع گردد؛ کما اینکه شعب و شاخه‌های متعددی از عدالت به‌صورت روزافزون در حال افزایش است؛ نظیر اقتصادی، عدالت در عرصه فناوری، عدالت بین‌المللی و... و این نشان‌دهنده لزوم پویایی و انحصاری نبودن عدالت به برداشت‌ها و عصر خاص است.

نتیجه حاصله از مفهوم عدالت را با مقداری مسامحه می‌توان به این تعریف منسوب کرد؛ عدالت مفهومی عام است؛ که انسان‌ها در هر دوره‌ای برای دستیابی به آن تلاش کرده‌اند و مفهومی توأمان با اخلاق، مذهب، اقتصاد و سیاست است و جای‌گیری هرکس و هر شیء در جایگاه خود به معنای شایسته و سزاوار را عدالت می‌نامند.

عدالت شرعی

پرسشی که در وهله اول مطرح می‌شود، آن است که آیا تفاوتی بین



عدالت شرعی و عدالت به معنای عام آن است؟

در پاسخ به این پرسش باید مفهوم عدالت شرعی را تبیین نمود. ماهیت عدالت شرعی را اراده الهی تعریف می‌کند؛ در شریعت (اسلامی) آنچه بر اساس دین چهارچوب‌بندی شود، چهارچوب عدل و انصاف و درستی است و آنچه از آن خارج شود، عدالت و برابری در این مفهوم را از یکدیگر گسسته می‌کند. با این تفاسیر اگر چه عدم برابری جنسی بر اساس تفسیر عدالت در قرن ۲۱ ممکن است نامأنوس و غیرقابل قبول باشد؛ اما ضرورتاً از نگاه شرعی ناعادلانه نیست و حتی ایراد عدالت با در نظرگرفتن تفاوت‌های دو جنس می‌تواند باشد. شیخ انصاری در «رسایل فقهیه» عدالت را ترک گناهان به خصوص گناهان کبیره که از ملکه نفسانی ناشی می‌شود، می‌داند. همچنین عدالت عبارت است از حسن ظاهر؛ یعنی ظاهر کارهای فرد؛ که نشانگر پابندی او به احکام شرعی است؛ که این تعریف به اکثر قدما نسبت داده شده است. بنابراین عدالت در شریعت نیز رنگ و بوی دینی یافته و تقوا و پرهیز از گناهان کبیره و صغیره و انجام آنچه در راستای اراده الهی بوده، سبب اجرای عدالت می‌شود.

سهم حقوق ایران از عدالت و عدالت شرعی

طبیعتاً یک نظام حقوقی، قانون اساسی آن است. به هر میزان که قانون اساسی آن نظام مبنا و اساس خود را مطرح و نمود سازد، بدنه فکری و ایدئولوژیک آن نمایان می‌شود. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «عدل اسلامی» به عنوان فلسفه وجودی دستگاه حقوقی و قضایی مطرح شده است.

اصل ۲ قانون اساسی می‌گوید: «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ ۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.»

بند ۱۷ اصل ۳ قانون اساسی؛ «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.» همان قانونی را مد نظر دارد که نظام جمهوری اسلامی در اصل ۲ بر آن اساس بیان شده است.

همچنین در اصول ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ روح اراده الهی و عدالت شرعی حاکم بر قانون اساسی را می‌توان پیدا نمود.

اما در بررسی مفهوم عدالت به معنای عام‌تر آن در حقوق ایران باید اشاره کرد آنچه در متن و روح قانون حاکم است، با آنچه در عمل صورت می‌پذیرد در هر جامعه و نظام حقوقی دارای تفاوت خواهد بود؛ زیرا تحولات اجتماعی امروزه بسیار سریع‌تر از قانون پیش خواهند رفت؛ اما اختلاف تصویب تا اجرا میزان کارآمدی یک نظام حقوقی و اجرای عدالت را توصیف خواهد نمود. این اجرا حتی با نتیجه و روندی که در اجتماع به خصوص در زمینه آمار در خصوص شکایات، دعاوی، بزه و جرم و بروکراسی حقوقی خود را نمایان خواهد کرد؛ اطلاعات قابل تأملی را برای اهل حقوق دارا است.

همچنین به روزرسانی قوانین و قانونمند کردن آنچه پدیده همه گیر در اجتماع نظیر تجارت نوین، دنیای تکنولوژی و رایانه، سهم عدالت در حقوق به خصوص حقوق ایران را افزایش خواهد داد. لازم به ذکر است که بسیاری از قوانین ما نظیر قانون تجارت، مدنی، خانواده و... با بازنگری و اصلاح در نیل به این هدف تأثیرگذار خواهند بود.

۱. جایگاه قانون در تحقق عدالت حقوقی و تأثیر آن بر تفسیر قضایی تأملی بر نسبت قانون و قاعده حقوقی در نظام فقهی-حقوقی ایران، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۳

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳. حقوق و عدالت، کاتوزیان، ناصر

۴. شیخ انصاری، رسایل و فقهیه

۵. بازارگرد، بهاء‌الدین (۱۳۸۹)، نظریات سیاسی فلاسفه غربی

